



MERAJ-O-SAĀDAH

میراجِ سعادت

اللهم صل على محمد و آل محمد

و عجل فرجهم و اهلك اعدائهم

نراقی، احمد بن محمد مهدی، ۱۱۸۵-۱۲۲۵ ق.
معراج السعاده / تألیف ملا احمد نراقی (ویرایش جدید).
قم: طوبای محبت، ۱۳۸۵، ۷۷۶ ص.
کتابنامه به صورت زیرنویس.
۱. اخلاق اسلامی، متون قدیمی تا قرن ۱۴. الف. عنوان.



موسسه فرهنگی انتشاراتی طوبای محبت

■ معراج السعاده

* مؤلف: ملا احمد نراقی

* ناشر: موسسه فرهنگی انتشاراتی طوبای محبت

* گرافیک و صفحه آرانی: واحد رایانه ای طوبای محبت

* تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

* چاپ: یاسین

* چاپ: سوم (پائیز ۱۳۸۶)

* لیتوگرافی: اهل بیت (ع)

* بهاء: ۶۵۰۰ تومان

مرکز پخش:

قم: خیابان صفائیه، کوی ۲۴ (ممتاز) دفتر انتشارات طوبای محبت

۰۹۱۲۲۵۳۴۹۶۷ - ۰۲۵۱۷۸۳۲۱۴۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

معراج سعادت جاودانی، و مفتاح ابواب فیوضات دو جهانی، ستایش و سپاس خداوندی است یکتا «جَلَّ شَأْنُهُ» و نیایش افزون از قیاس یگانه‌ای است بی‌همتا «بَهْرُ بُرْهَانِهِ» که از لمعات اشراقات فیض کاملش، مصایح قلوب اهل علم و عرفان در مشکوٰۃ مهج روشن، و از لواجم تجلیات لطف شاملش، سراج المنیر علوم بر زوایای ضمایر اولی البصائر پرتو افکن، اجرام علوی از علو شوق جمالش جملگی احرام بندگی بسته، گرد حرم کعبه جلالش به حرکات شوقی سرگشته طوف، و اجزای عالم سفلی از علو مرتبه ادراک کنه ذات لایزالش همگی در مقام بی‌خبری ثابت و حیران، از صفیز عنایتش همای نفس نفیس لاهوتی گرفتار قید تعلقات ناسوتی، به جناحین علم و عمل در فضای روح افزای عوالم حقایق، پرواز نموده خود را به اوج سعادت می‌رساند.

نردبان سعادت جاودانی، و کلید فیوضات دو جهانی، ستایش و شکرگزاری خداوند یکتا است، که شأن و مقامش بسیار با جلالت و عظمتش از قیاس و اندازه افزون است. خداوندی یگانه و بی‌همتا، که برهان وجودش آشکار و روشن است. خداوندی که از تابش نور و روشنائی فیض کاملش، چراغ دل‌های اهل علم و عرفان، در قندیل دل‌ها روشن، و از شعاع تجلیات لطف فراگیرش، مشعل نوریخش، علوم، بر گوشه دل‌های صاحبان بصیرت پرتو افکن است.

اجرام آسمانی از برتری شوق جمالش، همگی احرام بندگی بسته، و در گرد کعبه جلالش با حرکات مشتاقانه، سرگرم طواف، و چون درک کنه و حقیقت ذات لایزالش ممکن نیست، اجزاء و ذرات جهان همگی در مقام بی‌خبری ثابت و حیران، و در حال خوف و وحشت می‌باشند. و از فیض هدایتش به تعلیم معلّم عقل، و تأدیب مؤدّب شرع، معشر بشر، و فرقه ناس خود را از ادناس و ارجاس عالم طبیعت مصفا نموده، به سیر سر منزل حقیقت می‌کشاند.

خرد بخردان را در ساحت قدس تجرّدش مجال تردّد محال، و بال همای وهم و خیال را طیران در فضای بی انقضای بقایش و بال، «قَسْبُحَانَهُ مَا أَعْظَمَ شَأْنَهُ وَ أَجَلَ إِحْسَانِهِ».

و افضل صلوات، و اکمل تحیات به جناب مقدس پیغمبری سزاوار است که دوحه لوی حمد به اسم سامیش مرشح، و توقیع وقیع هدایت و تکمیل به نام نامیش موشح، غالیه سای نکبت مکارم اخلاقش کریمه «وَ إِنَّكَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ»، و عنوان صحیفه اشفاق بیضاء اشراقش «بِالْمُؤْمِنِينَ رِئُوفٌ رَحِيمٌ». محمود به محامد اخلاق و شیم، و ممدوح به محاسن الطاف و کرم، معلّم معالم فروع و اصول، صاحب فرمان «وَمَا مُعَمِّدٌ إِلَّا رَسُولٌ».

محمّد شافع امت، قسیم دوزخ و جنت - حبیب حضرت عزّت، شه دین خسرو دنیا جهان را ناصر و یاور، جهانبان را پیام آور - کزین پیک جهان داور، رسول خالق یکتا پس از سپاس ایزد داور، و پس از درود جناب پیغمبر ﷺ، واسطه منقبت در خور سروری است که رفعت کاخ کرامتش از آن بالاتر که کمند رسای مدارک اوهام بشر به شرف آن تواند رسید، و عظم رتبه ولایش از آن والاتر که طوطی شکسته بال مقال، در ادای شمه‌ای از شیم ولایش از قفس نفس، نفس تواند از آهنگ عنایت او، روح بلند مقامی که وجودش از عالم بالا سرچشمه گرفته و گرفتار قید و بند تعلقات عالم خاک گشته، باد و بال علم و عمل، در فضای روح افزای جهانهای حقایق، پرواز می‌کند و خویش را به اوج سعادت می‌رساند. و از فیض هدایتش، انسان‌ها در پرتو تعلیم آموزگار عقل، و پرورش مربی شرعی، خود را از آلودگی‌های عالم طبیعت، مصفا و پاک کرده، و به سیر سر منزل حقیقت می‌پردازند. عقل عاقلان را در ساحت قدس عظمت و تجرّدش، جولان و تردّد محال، و پر و بال همای وهم و خیال را پرواز در فضای بی منتهای بقای وی، وزر و وبال است. پس منزّه است خدایی که چه شأن عظیم و احسان جلیلی دارد. با فضیلت‌ترین درودها و کامل‌ترین تحیات‌ها شایسته آن پیغمبری است که: صفحه پرچم حمد به اسم با رفعتش مزین گردیده، و نوشته با موقعیت هدایت و تکمیل بشریت به نام نامیش توشیح شده است.

مبلغ و نشر دهنده بوی عطر جان افزای مکارم اخلاقش، آیه مبارکه «وَ إِنَّكَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ» است، و عنوان کننده صحیفه مهربانیش، گفتار خداوند است که فرمود: «بِالْمُؤْمِنِينَ

رُثُوفٌ رَحِيمٌ». اخلاق کریمانه‌اش به حدی کامل است که محامد اخلاق، و شیمه‌های نیکو، او را می‌ستایند. و محاسن الطاف و کرم، به مدح او مشغول می‌باشند. او برجسته‌ترین آموزگار عالمان فروع و اصول، و صاحب فرمان «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ» است.

پس از سپاس ایزد داور، و بعد از درود حضرت پیغمبر ﷺ، مدح و منقبت، شایسته آن سروری است که بلندای کاخ کرامت و عظمتش، بالاتر از آن است که کمند بلند ادراکات و عقول بشر به آن برسد. و عظمت ولایتش، والاتر از آن است که طوطی پر شکسته گفتار، در ادای مختصری از مقامات ولایتش از قفس روح، بتواند نفس بکشد. صیت مکارم اخلاقش عرصه آفاق را چنان گرفته که منکر حسود را از سستی نطق، طاقت ناطقه از عرض حال لال گشته، و آوازه فضائل ملکاتش در بسیط زمین چنان انتشار یافته که عدوی عنود را از کثرت خجلت جبین، غرق عرق انفعال مانده، و سفینه النجاتی که به ناخدائی همت بلندش کشتی به چهار موجه افتاده خلافت از دریای فتنه‌زای خلاف اندیشی مخالفان، سالما به کنار آمده، عین الحیاتی که تشنه کامان رحیق شوق را در ظلمات ضلالت، خضر هدایت بدان راه نموده، جامع سعادات سنیّه، و حاوی کمالات علیّه. شیر خدا شاه ولایت، علیّ علیه السلام مظهر اسرار خفی و جلی درود نامعدود و تحیات غیر محدود بر تخته ائمه دین و اولاد طاهرین او، که همگی کیمیای سعادتند و کلید گنج فیض سرمد، لمعات خورشید امامتند و مصباح مشکوّه کرامت، درز غرر خلافتند و درّه غرّه شرافت، مطالع لوامع قدسند و زینت المجالس مجامع انس، سراج المنیر نهج المسترشدين اند و مفتاح الفلاح ابواب الجنان حق الیقین، فصلوات الله علیهم اجمعین الی یوم الدین.

اما بعد چنین گوید گرفتار دام آمال و امانی، و طالب سعادت جاودانی، احمد بن محمد مهدی بن ابی‌ذر «لَقَنَهُمُ اللَّهُ حُجَّتَهُمْ يَوْمَ الْعُرْضِ الْاَكْبَرِ» که بر رأی ارباب لباب واضح است که خالق عالم، و موجد بنی آدم «جَلَّتْ عَظَمَتُهُ» به مقتضای حکمت کامله و قدرت شامله، قامت قابلیت نوع انسان را در مقام «وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» به تشریف «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»^۱ سرافراز، و این صدف پاک را به ودیعت نهادن گوهر

ادراک و نفس ناطقه، شرف امتیاز ارزانی داشت. سلطان والا شأن عقل را در مملکت بدن بر سریر مخروطی دل متمکن ساخت، و معاشر مشاعر و عساکر حواس را سر بر خط فرمان وی نهاد، تا اینکه طاغیان قوای سرکش طبیعی را تحت اطاعت انقیاد آورده، به کسب اخلاق حمیده و صفات پسندیده طنطنه کوس کرامت به گوش سگان صوامع جبروت رسانده، در مضمار سعادت، گوی سبقت از ملائکه ملکوت ریابد.

نه فلک راست مسلم، نه ملک را حاصل آنچه در سر سویدای بنی آدم از اوست و به حکم محکم عقل، و نص مستفیض نقل، بر هریک از افراد سالکین منهج سداد، و طالبین طریق رشاد لازم است که اولاً از آئینه گیتی نمائی دل، زنگ ردائل، زایل، و بعد از آن، ادهم همت به صورت تحلل به حلال فضائل مایل سازد. چه بدون تخلیه، تخلیه میسر نشود، و انعکاس نقش حبیب، صورت نبندد.

شستشویی کن و آنگه به خرابات خرام تا نگرود ز تو این دیر خراب آلوده و خود ظاهر و روشن و ثابت و مبین است که دفع صفات ناپسند، و کسب ملکات ارجمند، موقوف بر شناختن آنها، و اصول و اسباب هریک، و کیفیت و معالجات مقرره است. و متکفل بیان تفصیل این مطالب، علمی است که تعبیر از آن به «علم اخلاق»، و «حکمت خلقیه» می نمایند.

و بهترین نسخ کتب از حیثیت نظم و ترتیب و حسن ترکیب و تعبیر لایق، تحقیق رائق، و اشتغال بر آیات و اخبار وارده در شریعت، و احتوای بر مقالات ارباب عرفان و اساطین حکمت، که در این فن شریف، تألیف و تصنیف شده کتاب موسوم به «جامع السعادات» است، که از تألیفات عالم عامل، و عارف واصل، و حکیم کامل و فقیه فاضل، والد ماجد بزرگوار این ذره بی مقدار است.

چون کتاب مذکور که از جمله کتب مصنفه در این فن، مقبول، و منظور نظر شده، به زبان عربی تعبیر، و ارباب ایمان و اصحاب ایقان فارسی زبانان را از مواید فواید آن بهره حاصل نبود، لهذا از مصدر عزّت و اجلال، و محفل خشمت و اقبال، اشاره لازم البشاره به این دعاگوی دولت مصون از زوال، صادر گردید که خلاصه مطالب و جلّ مقاصد آن را به سیاق فارسی به عبارتی واضح بیان نماید که عموم ناس از فراید فواید آن نفع توانند یافت.

بنابر این با وجود عدم بضاعت، و قلت استطاعت، و تفرّق بال، و تکرّر احوال، بعد از استعانت از حضرت ربّ الارباب و استمداد از ارواح مقدسه ائمه اطّیاب علیهم السلام، شروع در تألیف این کتاب شد. امید که مقبول طبع کافّه انام گردیده و همگان از فواید آن بهره یاب گردد. و آن را مسمّی نمود به «معراج السعاده» و آن مشتمل است بر پنج باب:

باب اوّل: مقدمات نافعه

باب دوّم: قوای نفس انسانی و اخلاق ذمیمه.

باب سوّم: محافظت اخلاق حمیده از انحراف و...

باب چهارم: فضائل اخلاق حسنه و کیفیت اکتساب آنها

باب پنجم: اسرار و آداب عبادات.



و محتتهایی که بر ایشان روی داده متذکر شو و حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام را تصور کن که در عرصه کربلا ایستاده و یک به یک اصحاب به خدمت آن جناب می‌رسند و می‌گویند:

«السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» و اذن جهاد می‌گیرند و حضرت، ایشان را اذن می‌دهد و هر یک تنها خود را به میدان می‌اندازد و می‌زنند و می‌کشند تا در راه او شهید می‌گردند و چون از حیات خود مأیوس می‌شوند به آواز بلند فریاد می‌کنند که «أَدْرِكْنِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» و آن شهسوار میدان شجاعت، و یکه تاز معرکه شهادت به سرعت بر سر او می‌تازد و او را از میدان می‌ریاید و به سایر شهدا ملحق می‌سازد.

و امثال این وقایع را به خاطر آور و حزن و اندوه خود را تازه می‌ساز و آرزو می‌کن که کاش در این زمین با ایشان می‌بودی و بگو: «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَقُوزُ قَوْزاً عَظِيماً». یعنی ای کاش من با ایشان بودم تا به رستگاری عظیم فایز گشتمی. پس سایر آداب را مراعات کن.

و همچنین در زیارت هر یک از ائمه علیهم السلام جلالت قدر هر یک را متذکر شو و حقوق او را یاد آور و آنچه مناسب مقام است به خاطر گذران تا زیارت تو قبول، و به مرتبه زائرین فایز گردی. رَزَقَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ شَفَاعَتَهُمْ يَوْمَ الْوُرُودِ بِحَقِّ الْمَلِكِ الْوَدُودِ.

پایان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	مقدمه
باب اول در بیان بعضی مقدمات نافع، از بیان حالات نفس	
۱۱	فصل اول شناختن نفس مقدمه شناختن خدا
۱۱	تأثیر شناختن نفس در تهذیب اخلاق
۱۳	فصل دوم: ترکیب انسان از جسم و نفس
۱۴	فصل سوم: راه شناختن نفس
۱۵	فصل چهارم حقیقت و ماهیت آدمی
۱۶	فصل پنجم سیر به عالم بالا با جنبه روحانی
۱۸	فصل ششم: لذت و آلم جسم و روح
۱۸	فصل هفتم: مفاسد بیماریاری نفس و فوائد صحت آن
۲۱	علم بدون تزکیه، علم نیست
۲۲	توجه به صحت جسم، و غفلت از صحت و روح
۲۲	فصل هشتم: حصول ملکات نفسانی به تکرار اعمال
۲۴	فصل نهم: فایده علم اخلاق و برتری آن بر سایر علوم
۲۵	فصل دهم: تهذیب اخلاق و ثمره آن

باب دوم در سبب انحراف اخلاق از جاده پسندیده

۲۷	فصل اول: قوای چهارگانه و تبعیت سایر قوا از آنها
۳۰	فصل دوم: لذت و آلم قوای چهارگانه
۳۱	منحصر نبودن لذات در لذات جسم
۳۳	سعی در استیلای قوه عاقله بر سایر قوا
۳۵	فصل سوم: قوای چهارگانه سر منشأ نیکبها و بدیها
۳۵	فصل چهارم: در بیان اینکه نیروی عقل ادراک کلیات می کند
۳۶	فصل پنجم: کارفرمائی قوای چهارگانه
۳۸	فصل ششم: اجناس صفات نکوهیده

فصل هفتم: تقابل صفات فاضله و اوصاف نکوهیده	۴۰
فصل هشتم: مشتبه شدن صفات رذیله به صفات حسنه	۴۱

باب سوم در بیان محافظت اخلاق حمیده

فصل اول: محافظت از اخلاق حمیده	۴۶
شبهات علم اخلاق به علم طب	۴۸
فصل دوم مقدمات تزکیه نفس	۴۸
فصل سوم: تشخیص امراض نفسانی	۵۲
اسباب امراض نفسانی	۵۳
راه معالجه امراض نفسانی	۵۴

باب چهارم اخلاق و شرافت فضایل اخلاقی و کیفیت

مقام اول: ملکه عدالت	۵۷
اقسام عدالت و درجات عدول	۵۹
فصل سوم: عدالت سر منشأ کمال و سعادت	۶۲
فصل چهارم: اتصاف مصلح به عدالت	۶۴
مقام دوم در بیان معالجه اخلاق ذمیمه ای که متعلق است به قوه عاقله	۶۷
مطلب اول: در بیان دو جنس رذیله و ضد آنها	۶۷
فصل پنجم: حکمت علم به حقایق اشیا است	۶۸
شرافت و فضیلت علم	۷۰
آداب و شروط تعلیم و تعلم	۷۲
فایده دوم: درجات علم از نظر شرافت و وجوب تحصیل	۷۵
در تحصیل علم الهی	۷۶
احتراز از معاصی سبب اعتقاد جازم	۷۸
تلقین ترجمه عقائد به اطفال	۸۰
وجوب عینی علم اخلاق	۸۱
علم مقدمه عمل	۸۲
مطلب دوم رذائلی که از جریزه و جهل ناشی می شوند	۸۳
یقین و اقل مراتب آن	۸۵
علامات صاحب یقین	۸۶
مراتب یقین	۸۹
شرک و اقسام آن	۹۰

فصل: توحید و اقسام آن.....	۹۱
فصل: علائم ترقی در مراتب توحید.....	۹۲
فصل: آشنائی با اسرار ملک و ملکوت.....	۹۵
صفت چهارم: خواطر نفسانی و وساوس شیطانی.....	۹۶
افکاری که دل را مشغول می‌کند.....	۹۷
فصل: اقسام الهام و وسوسه و علامات آنها.....	۹۹
فصل: مضرات وساوس شیطانی و خواطر نفسانی.....	۱۰۲
فصل: معالجه امراض نفسانی.....	۱۰۳
غفلت از خدا سبب وسوسه شیطان.....	۱۰۴
ذکر قلبی مانع وساوس و خواطر.....	۱۰۷
چهار مرتبه ذکر.....	۱۰۷
فایده: کیفیت سد ابواب خواطر، و رفع وساوس.....	۱۰۸
فصل: خواطر و افکار نیکو و ستوده.....	۱۱۰
تدبیر در آفرینش و صنع پروردگار.....	۱۱۲
در عجایب خلقت پشه و زنبور.....	۱۱۵
قدرت نمائی حق در خلقت انسان.....	۱۱۶
تدبیر در خلقت استخوان‌ها و رگهای بدن.....	۱۱۷
اسرار و عجایب خلقت چشم.....	۱۲۰
در عجایب خلقت گوش.....	۱۲۱
حکمت‌های نهفته در صورت انسان.....	۱۲۱
عجایب دستگاه گوارش.....	۱۲۲
عجایب خلقت دل انسان.....	۱۲۴
نگاهی به چگونگی خلقت دستها و انگشتان.....	۱۲۴
ترکیب خلقت و آفرینش پا.....	۱۲۵
تمهیدات الهی جهت ورود انسان به دنیا.....	۱۲۵
نقش قوه خیال و وهمه و عاقله.....	۱۲۶
آیات آفاقی، مشاهده قدرت پروردگار.....	۱۲۷
عجایب کوهها.....	۱۲۷
انواع گیاهان و فرائد آنها.....	۱۲۸
درختان و شکوفایی آنها.....	۱۲۸
اصناف حیوانات.....	۱۲۸
عجایب دریاها.....	۱۲۹

۱۲۹	تفکر در خلقت فضا و کرات آسمانی
۱۳۰	عظمت آسمانها
۱۳۱	تفکر در اعمال و رفتار خود
۱۳۵	صفت مکر و حيله
۱۳۷	مقام سيم در بيان صفات رذيله و اخلاق جميله که متعلق است
۱۳۸	ترس و اقسام آن
۱۳۹	فصل: انواع ترس های ناپسند
۱۴۰	علل ترس از مرگ
۱۴۶	فصل: اطمینان قلب و طريقه تحصيل آن
۱۴۷	ایمنی از مکر خدا
۱۴۷	فصل اول: سبب ایمنی از مکر خدا
۱۴۸	فصل دوم: خوف از خدا و انواع آن
۱۵۱	فصل سوم: مکروهاتی که سر منشأ خوف و ترس است
۱۵۱	ترس از سوء عاقبت
۱۵۲	فصل چهارم: خوف از خدا عالی ترین درجه خوف
۱۵۶	فصل پنجم: کیفیت تحصيل صفت خوف از خدا
۱۵۹	فصل: علت نترسیدن از سوء خاتمه
۱۶۶	یأس و ناامیدی از رحمت خدا
۱۶۷	فصل: رجاء و امیدواری به خدا
۱۶۸	آیات و اخبار در فضیلت رجاء
۱۷۱	اموری که باعث نجات مؤمنان و امید گنهکاران است
۱۷۴	رجاء و امیدواری بدون طاعت
۱۷۵	فصل: خوف اصلح است یا رجاء؟
۱۷۸	فصل: طریقۀ تحصيل رجاء
۱۷۹	صفت چهارم: ضعف نفس و سستی آن
۱۸۰	فصل: قوت نفس و طریقۀ تحصيل آن
۱۸۰	دون همتی و مذمت آن
۱۸۲	بی غیرتی و بی حمیتی
۱۸۳	فصل: غیرت در دین و ناموس
۱۸۶	غیرت در اولاد و تربیت او
۱۸۸	غیرت در مال
۱۸۹	عجله و شتابزدگی و مذمت آن

فصل: وقار و طمأنینه.....	۱۹۲
سوء ظن به خدا و خلق.....	۱۹۳
راه معالجه بدگمانی به خدا و خلق.....	۱۹۶
فصل: حسن ظن به خدا و خلق.....	۱۹۶
غضب و اسباب آن.....	۱۹۷
فصل: غضب مفرط و مفسد آن.....	۱۹۸
فصل: معالجه غضب.....	۱۹۹
فصل: حلم و کظم غیظ.....	۲۰۲
در صدد انتقام بودن و مذمت آن.....	۲۰۴
فصل: عفو و بخشش و فضیلت آن.....	۲۰۶
صفت یازدهم: غلظت و درشتی در گفتار و کردار.....	۲۰۷
شرافت: مدارا با مردم.....	۲۰۸
صفت دوازدهم: کج خلقی.....	۲۰۹
معالجه کج خلقی.....	۲۰۹
صفت سیزدهم: عداوت و دشمنی.....	۲۱۱
معالجه عداوت و دشمنی.....	۲۱۲
فصل: مذمت ضرب و شتم، فحش، لعن و طعن.....	۲۱۳
تقرین به مسلمان.....	۲۱۸
صفت چهاردهم: عجب و مذمت آن.....	۲۱۹
فصل: معالجه بیماری عجب.....	۲۲۲
علاج عجب به علم و دانش.....	۲۲۶
علاج عجب به عبادت و طاعت.....	۲۲۹
علاج عجب به ورع و تقوی و نحو اینها.....	۲۲۹
علاج عجب به حسب و نسب.....	۲۳۱
علاج عجب به جمال.....	۲۳۳
علاج عجب به مال.....	۲۳۴
علاج عجب به قدرت.....	۲۳۵
علاج عجب به جاه و منصب.....	۲۳۵
علاج عجب به عقل و زیرکی.....	۲۳۶
فصل: شرافت شکسته نفسی.....	۲۳۷
صفت پانزدهم: کبر و تفاوت آن با عجب.....	۲۳۸
تجسم متکبرین در قیامت.....	۲۳۹